

A Jurisprudential-Economic Examination of the Money Market in Islamic Economics with Emphasis on the Interbank Market

Mahdi Abbas (Corresponding Author)

PhD student in Islamic Jurisprudence, Al-Mustafa University, PBUH

Majid Rezaei

Assistant Professor, Mofid University

Gholamali Masouminia

Associate Professor, Kharazmi University



Citation Abbas, M. , et al. (2025). A Jurisprudential-Economic Examination of the Money Market in Islamic Economics with Emphasis on the Interbank Market. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 25 (98): 5-37



[10.22034/iecc.2025.2056075.2867](https://doi.org/10.22034/iecc.2025.2056075.2867)

Received: 16 March 2025 , Accepted: 13 July 2025

Abstract

The money market is a financial market in which those with surplus liquidity provide their funds to those facing liquidity shortages in return for profit. At the core of the money market lies the interbank market, which comprises three main elements: banks and institutions with surplus liquidity, banks and institutions with liquidity deficits, and the central bank. The goal of banks in this market is liquidity management, while the central bank's objective is monetary policymaking and guiding the overall interest rate of the market.

Financial instruments used in this market typically share three key characteristics: minimal risk, short-term maturity, and a fixed, predetermined rate of return. In addition, the existence of a secondary market and high liquidity make these instruments close substitutes for cash. Given the importance of this market in liquidity management and monetary policy, it is crucial to examine whether the establishment of an interbank money market is feasible within the framework of Islamic jurisprudence and economics.

To address this question, the instruments and operational mechanisms of the interbank money market are critically analyzed through the lens of Bay al-Inah (sale and buy-back) and tanzil (discounting). Based on the dominant jurisprudential views regarding these two contracts, it appears that the current structure of the interbank money market encounters significant jurisprudential challenges and requires fundamental reconsideration.

Keywords

Money market, Interbank money market, Bay al-Inah, Bay al-dayn bi al-aqall (discounting of debt), Repo, Repurchase agreements





شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



بررسی فقهی - اقتصادی بازار پول در اقتصاد اسلامی

با تأکید بر بازار بین بانکی^۱

مهدی عباس (نویسنده مسئول) ^{ID}

email: mehdiabbaspk@yahoo.com

دانشجوی دکتری فقه اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمية

مجید رضائی ^{ID}

email: rezai@mofidu.ac.ir

استادیار دانشگاه مفید

غلامعلی معصومی نیا ^{ID}

email: masuminia@khu.ac.ir

دانشیار دانشگاه خوارزمی



Use your device to scan and read the article online

استاد عباس، مهدی و همکاران (۱۴۰۴). بررسی فقهی - اقتصادی بازار پول در اقتصاد اسلامی با تأکید بر بازار بین بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۲۵ (۹۸): ۳۷-۵

10.22034/iec.2025.2056075.2867

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

چکیده

بازار پول بازاری است که در آن، کسانی که دارای مازاد نقدینگی اند، منابع خودشان را باکسب سود، در اختیار کسانی قرار می دهند که دچار کمبود نقدینگی می باشند. هسته اصلی بازار پول را بازار بین بانکی تشکیل می دهد که سه عنصر اصلی دارد: بانک ها و مؤسسات دارای مازاد نقدینگی؛ بانک ها و مؤسسات دارای کسری نقدینگی؛ بانک مرکزی. هدف بانک ها از حضور در این بازار، مدیریت نقدینگی و هدف بانک مرکزی سیاست گذاری پولی و جهت دهی نرخ بهره کل بازار می باشد. ابزارهای مالی که در این بازار قابلیت استفاده دارند، سه ویژگی اصلی دارند: داشتن حداقل ریسک؛ دوره زمانی کوتاه مدت؛ نرخ بهره قطعی و از پیش تعیین شده. وجود بازار ثانوی اوراق و نقدشوندگی بالا از دیگر ویژگی های اوراق بازار پول است که به سبب آن این اوراق معادل جانشین نزدیک پول نقد محسوب می شود. با توجه به اهمیت این بازار در مدیریت نقدینگی و سیاست گذاری پولی، لازم است بررسی شود که آیا در چهارچوب فقه اقتصاد اسلامی، امکان تشکیل بازار پولی بین بانکی وجود دارد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش ابزار و شیوه عملیات بازار پولی بین بانکی بر دو محور عقد بیع العینه و تنزیل مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند. با تطبیق مختار در این دو مسئله به نظر می رسد بازار پولی بین بانکی با چنین ابزار و عملیات با مشکلات عدیده فقهی روبه روست و نیاز به بررسی مجدد دارد.

واژگان کلیدی

بازار پول، بازار پولی بین بانکی، بیع العینه، بیع دین به اقل، تنزیل، ریپو، بازخرید.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «مسئولیت نهاد پولی دولت در قبال خلق پول و کاهش ارزش آن از منظر فقه اهل بیت (ع) است که با راهنمایی دکتر مجید رضائی در جامعه المصطفی العالمية انجام شده است.

Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



مقاله

نظام تأمین مالی یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام اقتصادی می‌باشد. ایده اصلی این نظام، تأمین مالی کسانی است که با کمبود منابع مالی مواجه‌اند. تأمین مالی می‌تواند برای بلندمدت باشد و ممکن است برای کوتاه‌مدت باشد. در نظام مالی رایج دنیا تأمین مالی برای بلندمدت از طریق بازار سرمایه و کوتاه‌مدت از طریق بازار پول انجام می‌گیرد؛ ولی علاوه بر تأمین مالی کوتاه‌مدت، امروزه بازار پول برای سیاست‌گذاری پولی نیز کاربرد زیادی پیدا کرده است و عملیات بازار باز که در همین بازار انجام می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین روش‌های اجرای سیاست پولی توسط بانک مرکزی است. با توجه به این امور، اهمیت بازار پول در نظام اقتصادی واضح است؛ ولی سؤال این است که بازار پول در نظام اقتصادی اسلام چه جایگاهی دارد؟ آیا فقه اسلامی اجازه تشکیل بازاری را می‌دهد که در آن تأمین مالی اشخاص یا نهادهایی که با کمبود نقدینگی مواجه‌اند، با اوراق بهاداری که جانشین نزدیک پول نقد می‌باشد، انجام بگیرد؟ آیا بهره‌مند شدن نهادی که تأمین مالی می‌کند از عائدی قطعی و معین در این معامله، صحیح است؟ بازار پولی که بر ابزارهایی مشتمل است که در اهداف و عملکرد، شبیه ابزار بازار پول متعارف می‌باشد، آیا می‌تواند بازار پول اسلامی را تشکیل دهد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، بعد از توضیح مختصر درباره بازار پول رایج و اهداف آن، ابتدا بررسی فقهی دو مسئله محوری که عبارت‌اند از مسئله بیع‌العینه و بیع دین به اقل یا تنزیل، انجام می‌گیرد و بعد از اتخاذ مبنا در این مسائل در مرحله دوم به نقد و بررسی ابزار و شیوه عملیات مذکور، با موازین شرعی پرداخته می‌شود و پاسخ پرسش اصلی تحقیق به دست می‌آید.

پیشینه تحقیق

موسویان و الهی (۱۳۸۹) ابزارهایی مانند خرید و فروش دین، خرید و فروش

اسناد خزانه اسلامی، تشکیل صندوق با گواهی سپرده بانکی، اوراق مشارکت و دیگر اوراق بهادار اسلامی (صکوک) را برای سازمان‌دهی بازار بین‌بانکی معرفی می‌کنند.

موسویان و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله خود دنبال این پرسش‌اند که آیا توافق‌نامه بازخرید (ریپو) به عنوان ابزار پولی می‌تواند با توجه به فقه امامیه و قانون بانکداری بدون ربا در بازار بین‌بانکی ایران استفاده شود؟ به باور میثمی (۱۳۹۵) بیشتر ابزارهای پیشنهادی برای عملیات بازار باز در بازار پولی بین‌بانکی توسط محققان در ایران و سایر کشورها توانایی تأمین همزمان معیارهای فقهی و اقتصادی را ندارند.

دلیری (۱۴۰۱) به بررسی بازار بین‌بانکی، اهداف و قوانین آن، عملکرد این بازار و آسیب‌شناسی آن و نقش بانک مرکزی در اجرای عملیات بازار باز پرداخته، نشان می‌دهد بازار بین‌بانکی در ایران با نبود تنوع در ابزارهای مالی منطبق با شریعت، نبود ساختار نظارت شرعی و مشکلات قانونی در معاملات بین‌بانکی مواجه است و نبود نظارت دقیق بر عملکرد این بانک‌ها نیز منجر به فعالیت‌های سوداگرانه آنها شده است.

در بین همه این تحقیقات در کتاب استاد سیدعباس موسویان و دکتر حسین میثمی درباره بانکداری مرکزی اسلامی، به مسئله بازار پول هم از جهت موضوع‌شناسی و هم از جهت بررسی فقهی پرداخته شده است و کتاب پول و بانکداری با رویکرد اسلامی که نوشته دکتر سیدهادی عربی و دکتر حسین میثمی است، مطالب مشابه کتاب فوق‌الذکر را ارائه می‌دهد. مرحوم موسویان تلاش وافری برای اثبات وجود بازار پولی بین‌بانکی در اسلام به کار برده است. ایشان عقیده دارد بدون وجود بازار پولی عمیق و سالم نمی‌توان به توسعه مالی و اقتصادی امید داشت.

نواوری تحقیق حاضر در بررسی ابزار و شیوه عملیاتی که برای تشکیل بازار پولی بین‌بانکی بر موازین شرعی طراحی شده‌اند، بر اساس دو مسئله

کلیدی، بیع‌العینه و بیع‌دین به کمتر می‌باشد. این مقاله به روش تحلیل اجتهادی نگارش شده است.

بازار پول رایج

بازار پول بازاری کوتاه‌مدت برای انتشار و مبادله دارایی‌های مالی با سررسید کمتر از یک سال است (Palgrave, 2013, p.334). بازار پول از دو بخش عمده تشکیل شده است که عبارت‌اند از سطح خرده‌فروشی (سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌های تجاری) و سطح عمده‌فروشی یا بازار بین‌بانکی که هسته اصلی بازار پول را تشکیل می‌دهد. در بازار بین‌بانکی سه عنصر حضور دارند: بانک‌ها و مؤسسات دارای مازاد نقدینگی؛ بانک‌ها و مؤسسات دارای کسری نقدینگی؛ بانک مرکزی. بر این اساس در این بازار با انتقال منابع از بانک‌های دارای مازاد به بانک‌های دارای کسری، بانک‌ها با هدف مدیریت نقدینگی و بانک مرکزی با ورود در عرضه و تقاضای وجوه یا خرید و فروش ابزارهای مالی با هدف سیاست‌گذاری پولی و جهت‌دهی نرخ بهره کل بازار، وارد بازار می‌شود (Mishkin & Eakins, 2015, p.211). با توجه به ماهیت و اهداف بازار پول، در این بازار ابزارهای مالی با ویژگی‌های خاص قابلیت استفاده دارند که عبارت‌اند از: داشتن ریسک حداقلی؛ دوره کوتاه‌مدت؛ نرخ بهره یا نرخ سود از پیش تعیین شده. وجود بازار ثانوی اوراق و نقدشوندگی بالا از دیگر ویژگی‌های اوراق بازار پول است که به سبب آن این اوراق معادل‌جانشین نزدیک پول نقد محسوب می‌شود. البته اساس کار در اهداف، ابزار و عملیات بازار پول متعارف، قرض با بهره و تعیین نرخ بهره است که در نظام اقتصادی اسلام قابل قبول نیست.

برای بهره‌مندشدن از فواید اقتصادی بازار پول و در عین حال مبتلانبودن به اشکالات شرعی بازار پول متعارف، بازار پول طبق موازین شرعی طراحی شده است و هدف این تحقیق نیز بررسی صحت این بازار از نظر فقه امامیه می‌باشد.

مبانی فقهی مورد نیاز برای بررسی فقهی بازار پولی بین بانکی اسلامی

بررسی فقهی بازار پول که ادعا شده طبق موازین شرعی طراحی شده است، بر دو محور بیع العینه و بیع دین به کمتر (تنزیل) انجام می گیرد. هر دو مسئله از این جهت حائز اهمیت زیادند که معركة آرای فقههای خاصه و عامه واقع شده‌اند و بسیاری از این ابزارها و شیوه‌های عملیات بازار پول، مشتمل بر این دو معامله می‌باشند.

مسئله بیع العینه

یکی از راه‌های تأمین نقدینگی بیع العینه است که در آن کالایی به صورت نسیه از شخصی خریداری می‌شود و سپس به صورت نقدی به همان شخص فروخته می‌شود؛ مثلاً تاجری که به یک میلیارد تومان نیاز دارد، سراغ بانک یا شرکت دیگری می‌رود و کالایی را به صورت نسیه از او به قیمت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان خریداری می‌کند و سپس همان کالا را به آن شرکت یا بانک به صورت نقدی به قیمت یک میلیارد تومان می‌فروشد. در نتیجه این معامله شخص بازاری تأمین نقدینگی خود را به مبلغ بیشتر بدهکار می‌کند. بیع العینه را می‌توان به دو صورت انجام داد: به صورت مشروط بودن معامله دوم (فروش نقد به قیمت کمتر) در معامله اول (خرید نسیه به قیمت بالاتر) و به صورت دو تا معامله مستقل و بدون شرط. در مورد بیع العینه ادله‌ای وجود دارد که برخی بر جواز آن مطلقاً، برخی بر ممنوعیت آن مطلقاً و برخی بیان‌کننده تفصیل بین صورت جواز و عدم جوازند که در ذیل بررسی می‌شود.

۱. شیخ طوسی^(۵) به سند صحیح از منصور بن حازم نقل می‌کند که شخصی می‌خواهد بیع العینه انجام دهد، پس [سراغ یک فرد سرمایه‌دار می‌آید و] می‌گوید من بهتر از تو واردم که چیزی که نیاز دارم بخرم، پس پول به من بده تا کالا بخرم؛ سپس کالای مورد نظر را می‌خرد و پیش شخص

سرمایه‌گذار می‌آورد. امام^(ع) فرمودند آیا بعد از خریدن آن جنس و کالتاً، هر کدام از بایع و مشتری اختیار دارند که اگر نخواهند وارد معامله دوم نشوند؟ عرض کردم بله، امام^(ع) فرمودند اشکال ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۵۲). روایت دیگر از حسین بن منذر نیز که اشکال سندی دارد، مؤید همین تفصیل است (همان، ج ۱۸، ص ۴۲).

۲. شیخ کلینی^(ص) به سند صحیح از اسماعیل بن عبد الخالق نقل می‌کند که راوی درباره بیع‌العینه می‌پرسد که گاهی بعد از اینکه بایع کالا را برای متقاضی خرید، متقاضی از او نمی‌خرد، لذا می‌رود سراغ صاحب اصلی کالا، تا همان کالا را به او بفروشد و او هم قبول می‌کند. امام^(ع) پرسیدند که آیا او مختار است اگر نخواهد از بایع نخرد؟ راوی گفت چرا (اگر تلف می‌شد از مال بایع بود و بیع صوری انجام نشده بود). امام^(ع) فرمودند: اگر آنی که من گفتم عمل کنی فلا بأس (همان، ج ۱۸، ص ۵۳). این روایت نیز ظهور در این دارد که دو تا معامله بیع مشروط به دیگر نباید باشد، و الا صحیح نخواهد بود.

۳. عبدالله بن جعفر در کتاب قرب الاسناد از عبدالله بن حسن از علی بن جعفر از امام کاظم^(ع) روایت می‌کند که از امام^(ع) می‌پرسد کسی پارچه‌ای را به ده درهم می‌فروشد و به پنج درهم می‌خرد [که نتیجه این کار نوعاً این است که بایع به خریدار پول نقد می‌دهد و بیش از آن را مشتری به بایع بدهکار می‌شود] امام^(ع) فرمودند اگر شرط نکنند در بیع اول بیع دوم را، اشکالی ندارد.

در روایت دیگر علی بن جعفر در کتابش از برادرش امام کاظم^(ع) نقل می‌کند که بایع به ده درهم نیسه می‌فروشد و به پنج درهم نقداً می‌خرد که امام^(ع) گفتند اگر بیع اول مشروط به دوم نباشد و هر دو مختار باشند، اشکال ندارد (همان، ج ۱۸، ص ۴۲-۴۳).

سند روایت اول مشتمل بر عبدالله بن حسن است که نامش در کتب

رجالی نیامده است. البته ایشان از معاریف است و اگر قدحی داشت، مشهور می‌شد. از سوی دیگر حمیری که از عبدالله بن حسن زیاد روایت کرده، در فضای قم زیاد روایت کردن از ضعفا قدح به حساب می‌آمد؛ در حالی که چنین قدحی بر حمیری وارد نشده است. بنابراین طریقی اول از این راه قابل تصحیح است. طریقی دوم مربوط به کتاب مسائل علی بن جعفر^(ع) است. اصل کتاب بسیار مشهور بوده و نزد اصحاب به طرق مختلف رسیده است و خصوص این روایت در کتاب علی بن جعفر که صاحب وسائل داشته، موجود بود و در قرب الاسناد هم عبدالله بن جعفر از عبدالله بن الحسن عن جده علی بن جعفر بدون اختلاف نسخه نقل می‌کند. لذا انسان و شوق پیدا می‌کند که این روایت در کتاب علی بن جعفر بوده است.

ظهور روایت اول علی بن جعفر مانند صریح روایت دوم علی بن جعفر در معامله نسیه و سپس معامله نقد است؛ اما اینکه روایت اول ظهور در نسیه بودن بیع اول به اکثر و نقد بودن بیع دوم به اقل دارد، به دلیل این است که هر کدام از این دو بیع یا نقد است یا نسیه و لذا به چهار نحو متصور است. صورت اول نسیه بودن بیع اول [با ثمن بیشتر] و نقد بودن بیع دوم [با ثمن کمتر] است. صورت دوم عکس صورت اول، صورت سوم نقد بودن هر دو بیع و صورت چهارم نسیه بودن هر دو بیع می‌باشد. صورت اول همان است که استظهار شده و صورت دوم معقول است، ولی عرفی نیست؛ چون انگیزه بر چنین بیعی که در آن کالا به ثمن بیشتر نقداً فروخته شود و سپس همان کالا به صورت نسیه به کمتر خریده شود؛ چون کسی که کالا را به مثلاً ۱۰ درهم نقداً خریده، آن را به ۵ درهم نسیه نمی‌فروشد و صورت سوم و چهارم نیز به قدری واضح است که مورد سؤال واقع نمی‌شود. اما صراحت روایت دوم در نسیه بودن بیع اول و نقد بودن بیع دوم به دلیل ملفوظ بودن قید نسیه (عَشْرَةَ دَرَاهِمَ إِلَى أَجَلٍ) و قید نقد (ثُمَّ اشْتَرَاهُ بِخُمْسَةِ دَرَاهِمَ بِنَقْدٍ) می‌باشد.

در نتیجه این معامله مصداق بارز بیع عینه است و امام^(ع) آن را در صورت عدم الزام و التزامی جایز دانستند نه در غیر این صورت. با بررسی این روایات درباره بیع العینه استظهار می شود که بیع العینه اگر به صورت دو بیع مشروط به هم باشد، گرچه هر دو بیع حقیقی باشند و نه صوری، هر دو بیع باطل است و کل معامله که مشتمل بر دو بیع مشروط است، ایراد دارد و نافذ نیست. منظور از شرط نیز چیزی است که بنای طرفین بر وجود آن در قرارداد است، اعم از اینکه این شرط ملفوظ در متن قرارداد باشد یا ارتکازی (علت ذکر نشدن شرط می تواند توافقات قبلی یا وضوح شرط باشد).

مسئله بیع دین به کمتر

بیع دین فروزی دارد، ولی آنچه به بحث مربوط است، بیع دین به کمتر از مبلغ طلب به شخص ثالث است و سه قول عمده در مسئله وجود دارد: قول اول: در صورتی که دین ربوی نباشد، فروش دین به غیر دین جائز است مطلقاً، چه به مثل مبلغ دین چه به بیشتر و چه به کمتر (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۷۳/ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸۵/ اردبیلی، [بی تا]، ج ۹، ص ۹۴/ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴/ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۸). قول دوم: قول به بطلان است مطلقاً که مختار ابن ادریس می باشد (ابن ادریس، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۷۷).

قول سوم: قول به جواز در صورتی که ثمن مساوی مبلغ دین باشد، و الا اگر دین به مبلغ کمتر فروخته شود، مشتری دین استحقاق دریافت مبلغ بیشتر از آنچه به عنوان ثمن پرداخت کرده است، ندارد و فقط مبلغ مساوی ثمن دین را می تواند از مدیون مطالبه کند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۱۱/ علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۹۰/ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۳/ شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۲۶ و ج ۱۳، ص ۱۶۲).

برخی از فقها قول به عدم جواز مطالبه مبلغ بیشتر از ثمن پرداخت شده به دائن را به دلیل مخالفت با مقتضای قواعدی که دلالت بر صحت بیع دارد،

مشکل می‌دانند؛ ولی از طرف دیگر طرح اخباری را که در خصوص مسئله وارد شده است [و در ذیل بیان می‌گردد] مشکل‌تر از آن (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۳۶/ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۱۵۸) و به همین دلیل شهید صدر نیز مخالفت با روایاتی را که در خصوص مسئله وارد شده است، صحیح نمی‌داند و می‌گوید به دلیل این روایات نمی‌توان به بانک‌ها اجازه تنزیل سفته‌ها و مطالبه مبلغ بیشتر از ثمن پرداختی را داد (صدر، ۱۴۳۴، ص ۱۶۰). برای قول به جواز بیع دین به مبلغ کمتر به شخص ثالث به اطلاق آیه «اوفوا بالعقود» و آیه «احل الله البيع» می‌توان استدلال کرد؛ چون آنچه بین دائن و مشتری رخ می‌دهد، عرفاً عقد و بیع است و لذا تمسک به این آیات برای اثبات صحت تنزیل درست خواهد بود.

با این همه در مقابل دو تا روایت خاص در کتب روایی ذکر شده است:

روایت اول: شیخ کلینی^(۳) از محمد بن یحیی از احمد بن محمد از حسن بن علی از محمد بن فضیل از ابی حمزه روایت می‌کند که از امام باقر^(۴) درباره مردی سؤال کردم که دینی را از کسی طلب داشت، پس کسی دینش را از او در عوض متاعی خرید و نزد بدهکار رفت و گفت طلب فلان شخص را به من بپرداز، چون من از او خریده‌ام، چنین کاری چه صورتی دارد؟ امام^(۵) فرمود: بدهکار باید مالی را که مشتری دین با دادن آن مال، دین را از طلبکار دین خریده بود، بپردازد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۰۰).

از حیث سند، دو عنوان نیاز به بررسی دارد که عبارت‌اند از حسن بن علی و محمد بن فضیل.

عنوان حسن بن علی مشترک بین حسن به علی بن فضال التیمی، حسن بن علی الوشاء، حسن به علی بن یقطین و حسن به علی بن نعمان است که همه اینها از ثقات‌اند و احتمال اینکه راوی مذکور در سند این روایت، حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی یا حسن بن علی بن ابی عثمان باشد، به دلیل قرینه راوی و مروی عنه مردود است؛ لذا سند از حیث این عنوان مشکل ندارد.

اما محمد بن فضیل میان ابن غزوان ابو عبد الرحمن و صیرفی ازدی ابو جعفر ازرق مشترک است که اولی از اصحاب امام صادق^(ع) و ثقه (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۲) و دومی از اصحاب امام کاظم^(ع) و امام رضا^(ع) است که گفته شده ضعیف است (همان، ص ۳۴۳) و غلو می کرد (همان، ص ۳۶۵)؛ ولی قرائنی بر وثاقت صیرفی دلالت می کند، از جمله اینکه: محمد بن فضیل صیرفی مروی عنه صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر و ابونصر بزنطی است و اجلاً مثل حسین بن سعید اهوازی و حسن بن علی و شاء و علی بن مهزیار و اسماعیل بن بزیع از ایشان بسیار نقل روایت کرده اند و شیخ مفید در رساله عددیه از ایشان در زمره راویانی که راهی برای مذمت آنها نیست، ذکر فرموده است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱) و تضعیف شیخ احتمالاً از نسبت غلو نشئت گرفته و چنین تضعیفی معتبر نیست و در نتیجه شکی در وثاقت ایشان باقی نمی ماند. بله امکان دارد ایشان محمد بن فضیل زرقی باشد که شیخ در رجالش در قسمت ثقات از اصحاب امام صادق^(ع) طبق آنچه ابن عقده در کتابش بیان کرده، ذکر کرده است (شیخ طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۲). در نتیجه این تردد بین صیرفی و زرقی نیز مضر نیست.

در مقام دلالت روایت، درباره این جمله امام^(ع) که فرمود: «يَرُدُّ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الَّذِي عَلَيْهِ الدَّيْنُ مَالَهُ الَّذِي اشْتَرَاهُ بِهِ مِنَ الرَّجُلِ الَّذِي لَهُ الدَّيْنُ» دو وجه امکان دارد:

مقصود از «ماله» ثمن معامله خرید دین است و طبق این احتمال ضمیر «اشتره» به دین و ضمیر «به» به موصول که ثمن باشد، برمی گردد؛ لذا اگر مشتری دین را به کمتر از مبلغ دین خریده باشد، مدیون ملزم به پرداخت همان مبلغ خواهد بود که مشتری به صاحب دین پرداخت کرده بود نه آن مبلغی که مدیون بوده است.

مراد از «ماله» دینی است که مشتری از دائن خریده است؛ لذا مدیون باید خود دین را که مشتری خریده، به مشتری بپردازد.

با وجود دو احتمال که در روایت وجود دارد، روایت از حیث دلالت مجمل می‌شود؛ ولی طبق هر دو احتمال اصل جواز بیع دین به کمتر ثابت می‌شود؛ چون ظاهر روایت این است که سائل صحت بیع دین را مفروض گرفته است و سوال ایشان از چیزی است که بر عهده مشتری می‌آید و جواب امام^(ع) نیز در جواب همین سؤال می‌باشد.

روایت دوم: شیخ کلینی^(ع) از محمد بن یحیی و غیر او از محمد بن احمد از محمد بن عیسی از محمد بن فضیل روایت می‌کند که از امام رضا^(ع) درباره مردی سؤال کردم که دینی را از طلبکاری می‌خرد و نزد بدهکار رفته، می‌گوید: طلب فلان شخص را به من پرداز، چون آن را از او خریده‌ام. امام^(ع) فرمود: به مشتری دین همان قیمتی داده می‌شود که مشتری دین به صاحب دین یا طلبکار پرداخت کرده بود و به این سبب بدهکار از باقی مانده بدهی بری‌الذمه می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۰۰).

طبق این روایت امام^(ع) فرمودند: «يُدْفَعُ إِلَيْهِ قِيمَةُ مَا دَفَعَ إِلَى صَاحِبِ الدَّيْنِ، وَبَرِيَ الَّذِي عَلَيْهِ الْمَالُ مِنْ جَمِيعِ مَا بَقِيَ عَلَيْهِ» که ظهور در این دارد که مدیون با پرداخت مبلغی که مشتری به دائن برای خرید دین پرداخت کرده بود، بری‌الذمه می‌شود. همچنین ظاهر روایت این است که مشتری دین با این معامله قصد تحصیل ربح داشته است و لذا دین را به قیمت کمتر خریده تا بعداً از مدیون مبلغ کامل دین را دریافت کند، ولی امام^(ع) سد باب این راه تحصیل ربح فرمودند؛ بلکه ظهور این روایت اجمال روایت قبلی را نیز برطرف می‌کند و احتمال اول در آن روایت متعین می‌شود.

بنابراین هر دو روایات خاص در مسئله نشان می‌دهند که بیع دین به اقل جائز است و دلالت روایت دوم بر این مطلب تمام است که مشتری دین فقط استحقاق مبلغ را بر عهده مدیون دارد که برای خرید دین به دائن پرداخت کرده بود، ولو اصل مبلغ دین بیش از آن بوده باشد و این یک نوع خاص از تعبد از طرف شارع می‌باشد و بعید نیست این اهتمام برای سد

باب حصول ربح از باب دیون باشد. شهید صدر^(ه) در این باره می‌فرماید که من مجوز واضح و مطمئن برای ترک این دو روایت و اتخاذ نظر مخالف این دو روایت نمی‌یابم و لذا برای بانکداری بدون ربا امکان تنزیل دین وجود ندارد که بر اساس آن دین طلبکاری را به کمتر از مبلغ اسمی بخرد و از بدهکار همان مبلغ اسمی را بستانند (صدر، ۱۴۳۴، ص ۱۶۰-۱۶۱).

در مورد دو روایت ذکر شده اشکال شده است که مفاد آنها مخالف قوانین فقه است؛ چون فرض این است که کل دین برای طلبکار بوده و کل آن را فروخته است، اما فرد بدهکار بخشی از دین را که مبیع است، مالک می‌شود؛ ولی این اشکال وارد نیست؛ چون گرچه این روایت مخالف عمومات است، اما اگر بر فرض امام معصوم در مجلسی نشسته و امام بدون تقیه این مطلب را بیان کنند، تعبداً پذیرفته می‌شود و لذا صرف مخالفت با قواعد منشأ نمی‌شود که به این روایت عمل نشود؛ بلکه روایت مخصص اطلاعات و عمومات باب بیع خواهد بود و در نتیجه گفته می‌شود که بیع دارای احکام خاصی است، الا در این مورد خاص. شاهد این مطلب هم آن است که عده‌ای مانند شیخ طوسی بر اساس این روایت فتوا داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۱۰-۳۱۱). محقق حلی نیز در شرایع این فتوا را ذکر کرده و از تعبیر «فی روایة» استفاده کرده و آن را رد نکرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۳)؛ لذا این گونه نیست که جواز تنزیل متسالم فقه باشد، بلکه عده‌ای قائل‌اند که این دو روایت معتبر است و بر اساس آن فتوا داده‌اند و در ادامه طبق همین دیدگاه بحث تطبیقی انجام می‌گیرد.

بررسی فقهی تطابق بازار پولی بین بانکی با موازین شرعی

بعد از بررسی فقهی حکم بیع‌العینه و تنزیل، نتایج حاصله از این بررسی‌ها بر ابزارها و شیوه عملیات بازار پول تطبیق داده می‌شود تا بتوان مشروعیت یا عدم مشروعیت این ابزار و شیوه‌ها و در نتیجه مشروعیت بازار پول یا عدم

آن را به دست آورد. در ذیل به بیان این ابزار و شیوه‌ها پرداخته شده و سپس بر اساس محورهای یادشده، نقد و بررسی می‌شوند.

ابزار و شیوه عملیات بازار پولی بین بانکی و نقد و بررسی آن

با توجه به مشکل فقهی بازار بین بانکی متعارف، محققان اقتصاد اسلامی بازار بین بانکی مطابق با شرع طراحی کردند که در ذیل بیان می‌شود:

اسناد خزانه اسلامی

در بانکداری اسلامی، اسناد خزانه طراحی شده است که ابزاری مالی مبتنی بر بدهی بخش دولتی به پیمان کاران، شبکه بانکی و دیگر ذی‌نفعان و تأمین‌کنندگان است و برای اجرای طرحی مشخص به جای پول نقد، تحویل داده می‌شود. این اوراق بر اساس عقد بیع دین قابلیت انتشار و قابلیت تنزیل در بازار ثانوی قبل از سررسید را دارند (موسویان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱). شیوه کار این اوراق بدین صورت است که ابتدا دولت در بازار اولی اقدام به انتشار اسناد خزانه اسلامی می‌کند و آنها را به طلبکارانی که از دولت طلب دارند، مانند پیمان کاران تحویل می‌دهد. در ادامه اشخاص حقیقی یا حقوقی که از دولت طلب داشته‌اند و در ازای آن اسناد خزانه اسلامی تحویل گرفته‌اند، به تنزیل این اوراق و دستیابی به منابع نقد اقدام می‌کنند. در این شرایط بانک مرکزی نیز می‌تواند با خرید و فروش این اوراق به اعمال سیاست‌های انقباضی و انبساطی مورد نظر اقدام کند. بنابراین اسناد خزانه اسلامی حاکی از بدهی واقعی دولت به طرف معامله است و به ازای تعهد دولت برای اجرای طرحی مشخص به جای پول نقد اوراق خزانه مدت‌دار تحویل داده می‌شود. این روابط شبیه معاملات بین اشخاص حقیقی در بازارهای مالی رایج است؛ بدین صورت که افراد در ازای خرید کالاها و خدمات به جای پول نقد، چک یا اسناد تضمینی می‌پردازند و این اسناد در بازار ثانوی قابل تنزیل است. عقد محوری در این نوع صکوک بیع دیون

واقعی است و مصداق بیع دین حال یا مؤجل دولت به غیرمدیون در مقابل ثمن کمتر است.

نقد و بررسی

در بررسی مسئله تنزیل معلوم شد که با وجود اینکه فروش دین به مبلغ کمتر به شخص ثالث صحیح است و اصل این بیع مشکلی ندارد، ولی خریدار دین بیش از مقدار پرداختی برای خرید دین را مستحق نیست و چنین قیدی هدف از طراحی این ابزار به عنوان جایگزینی اسناد خزانه متعارف را بر آورده نمی‌کند، چون هیچ سودی را برای بانک خریدار دین به ارمغان نمی‌آورد؛ لذا در صورت مراعات این قید، این ابزار کارایی اقتصادی خود را از دست می‌دهد و در صورت عدم مراعات آن، مشکل شرعی پیدا می‌کند. اعطای اسناد خزانه بیشتر به پیمان‌کاران نیز مشکل را حل نمی‌کند؛ چون در این صورت اگر پیمان‌کاران تا سررسید منتظر بمانند، مبلغ اضافی از خزانه دولت می‌رود و اگر در بازار ثانوی تنزیل کنند، با توجه به دو تا روایت ابن‌فضیل، چون خریدار دین استحقاق مبلغ بیشتر از آنچه به عنوان ثمن دین پرداخت کرده است ندارد، انگیزه اقتصادی برای خرید دین ایجاد نمی‌شود و در نتیجه تنزیل اسناد خزانه کارایی خود را از دست می‌دهد.

صکوک استصناع دولت

صکوک استصناع دولت اوراق بهاداری است که بر اساس عقد استصناع منتشر و هدف از آن تولید کالای خاص یا اجرای پروژه‌ای با ویژگی‌های معین در آینده است. این اوراق حاکی از طلب پیمان‌کار از دولت بابت ساخت پروژه است و به جای پول نقد به مجموع قیمت اسمی بیشتر از قیمت فعلی طرح، به پیمان‌کار داده می‌شود؛ پیمان‌کاری که این اوراق را می‌گیرد یا می‌تواند تا سررسید صبر و مبلغ اسمی اوراق را از دولت دریافت کند یا اینکه قبل از سررسید، اوراق را در بازار ثانوی تنزیل کند (نظرپور، ۱۳۸۴، ص ۹۸).

روش کار اوراق استصناع به این نحو است که بانی مانند وزارتخانه، با مراجعه به مؤسسه امین و تشکیل شرکت واسط، اجرای پروژه معینی مثل احداث ۱۰۰۰ واحد مسکونی را از طریق قرارداد استصناع می‌خواهد. واسط انجام پروژه را در مقابل هزار میلیارد تومان متعهد می‌شود؛ به نحوی که مجموع قیمت اسمی اوراق تحویل داده‌شده به واسط، از قیمت فعلی طرح (در صورتی که نقدی پرداخت می‌شد) بیشتر است. وزارتخانه این مبلغ را به صورت اوراق بهادار استصناع با سررسیدهای معین، مثلاً پنج‌ساله، می‌پردازد. واسط طبق قرارداد استصناع دومی، ساخت پروژه مورد نظر را به پیمان‌کار مربوطه سفارش می‌دهد. پیمان‌کار متعهد می‌شود پروژه را طبق زمان‌بندی مشخص، مثلاً سه سال در مقابل پانصد میلیارد تومان تحویل دهد. بعد از شروع پروژه، واسط با کسب مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار، اوراق استصناع ۱۰۰۰ میلیارد تومانی را که حکایت از بدهی بانی به واسط می‌کند، به صورت تنزیلی و زیر قیمت اسمی اوراق، از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم می‌فروشد. آن‌گاه از محل وجوه به‌دست‌آمده، بدهی خود را به پیمان‌کار می‌پردازد و واحدهای مسکونی ساخته‌شده را تحویل گرفته، به مقتضای قرارداد استصناعی که با وزارتخانه دارد، به آن وزارتخانه تحویل می‌دهد. آن‌گاه وزارتخانه با فروش تدریجی واحدهای مسکونی، اوراق استصناع را تسویه می‌کند. بنابراین تفاوت قیمت استصناع اول و دوم عملاً سود مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای ایجاد می‌کند. صکوک استصناع دولت توانایی تأمین معیارهای اقتصادی لازم را در اوراق مبنای عملیات بازار باز دارد؛ زیرا از منظر بازدهی نرخ سود مشخص و از پیش تعیین‌شده دارد (نظرپور، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲).

نقد و بررسی

بنای این اوراق بر قرارداد استصناع می‌باشد و معامله اول که بین وزارتخانه و شرکت واسط انجام می‌گیرد، اگر به صورت واقعی منعقد شود

و شرایط آن رعایت شود، فاقد مشکل است؛ ولی استفاده از این اوراق در بازار ثانوی و همین طور در بازار پول برای تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت، مبتنی بر بیع دین به کمتر یا تنزیل است؛ لذا غرض بانک تأمین کننده نقدینگی که به‌دست آوردن سود با خرید دین به مبلغ کمتر از مبلغ اسمی است، برآورده نخواهد شد و لذا این اوراق کارایی خود را از دست می‌دهند.

صکوک مرابحه دولت

اوراق مرابحه اوراق بهاداری است که دارندگان آنها به صورت مشاع مالک دینی‌اند که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است. اوراق مرابحه انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: اوراق مرابحه تأمین مالی و اوراق مرابحه تأمین نقدینگی.

در اوراق مرابحه تأمین مالی، بانی (دولت یا بنگاه اقتصادی) برای تأمین مالی خود، مؤسسه مالی (واسط) را می‌گزیند. واسط با انتشار اوراق مرابحه از طریق شرکت تأمین سرمایه، وجوه سرمایه‌گذاران مالی را جمع‌آوری کرده، به وکالت از طرف آنان کالای مورد نیاز بانی را از تولیدکننده (فروشنده) به صورت نقد خریداری و به صورت بیع مرابحه نسیه به قیمت بالاتر به بانی می‌فروشد. بانی متعهد می‌شود در سررسید مشخص قیمت نسیه کالا را از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود مرابحه استفاده کنند یا قبل از سررسید، اوراق خود را در بازار ثانوی بفروشند.

در اوراق مرابحه تأمین نقدینگی، مؤسسه ناشر اوراق، دارایی‌های دولت، سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را به صورت نقد خریده، پولش را می‌دهد، سپس با قیمت بالاتر و به صورت نسیه مدت‌دار به خود آنها می‌فروشد و درمقابل از آنها اسناد مالی با مبالغ و سررسیدهای معین دریافت می‌کند. اوراق مرابحه تأمین نقدینگی حاکی از طلب دین می‌باشد که در نتیجه

خرید نقد و فروش مرابحه نسبه [به فروشنده اول] به وجود آمده است. مؤسسه ناشر می‌تواند منتظر بماند در سررسید مبلغ اسمی اسناد را از خریداران دریافت کند؛ کما اینکه می‌تواند در بازار ثانوی آنها تنزیل کند (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۴۹۸-۵۰۳).

نقد و بررسی

در صکوک مرابحه از نوع تأمین مالی، صاحبان صکوک مالک دارایی‌اند که وکالتاً از طرف بانوی خریداری و مرابحه به بانوی فروخته می‌شود؛ ولی شرعاً اموال موکل در دست وکیل امانت است و اگر از بین رفت، از کیسه سرمایه‌گذاران رفته است، لذا لازم است به این مطلب ملتزم باشند. ثانیاً بازار ثانوی این اوراق مبتنی بر تنزیل است و عدم جواز مطالبه کل مبلغ دین، کارایی این اوراق به عنوان ابزار بازار پول را از بین می‌برد.

در صکوک مرابحه از نوع تأمین نقدینگی، علاوه بر مشکل عملی تنزیل، مبتنی بر فروش نقد و خرید نسبه کالا است که مصداق بیع‌العینه است و در صورت مشروط‌بودن خرید نسبه در معامله فروش نقدی، جواز شرعی ندارد و باطل است و لذا معامله این نوع اوراق مرابحه اشکال بیشتر دارد. علاوه بر این اوراق مرابحه برای تأمین نقدینگی، مصداق حيله ربا می‌باشد، چون نتیجه خرید نقدی مشروط به فروش نسبه همان نتیجه قرض ربوی را می‌دهد (منظور از حيله ربا راه‌هایی است که در آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تملیک مال به ضامن با شرط زیاده وجود دارد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۸۹).

صکوک اجاره

صکوک اجاره بر اساس عقد اجاره منتشر می‌شود و نشان‌دهنده مالکیت مشاع دارندگان آن در دارایی است که اجاره داده می‌شود. صکوک اجاره برای تأمین مالی پروژه‌ها و تأمین نقدینگی صادر می‌شوند. شیوه کار صکوک اجاره برای تأمین مالی به این صورت است که دولت برای تأمین نیازهای

خود به کالاها و خدمات، شرکت واسط را انتخاب و نیازهای خود به اجاره کالاها را به این شرکت اعلام می‌کند. واسط بعد از کسب مجوزهای لازم، اوراق بهاداری تحت عنوان «صکوک اجاره» یا «صکوک اجاره به شرط تملیک» منتشر و با واگذاری آنها به مردم، منابع لازم را جمع‌آوری می‌کند؛ سپس با استفاده از آن منابع و به وکالت از طرف خریداران اوراق، کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی با دوام مثل هواپیما، خریداری و بر اساس قرارداد اجاره به دولت واگذار می‌کند؛ سپس اجاره‌بهای آنها را در سررسیدهای مقرر از دولت دریافت می‌کند و بعد از کسر حق‌الزحمه مابقی را به عنوان سود در اختیار صاحبان اوراق قرار می‌دهد. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود اجاره استفاده کنند یا قبل از سررسید اوراق خود را در بازار ثانوی به فروش برسانند.

شیوه صکوک برای تأمین نقدینگی به این صورت است که بانک مرکزی در ابتدا اقدام به تشکیل استخری از دارایی‌های دارای بازدهی می‌کند که این دارایی‌ها یا متعلق به خود بانک مرکزی است یا از طرف دولت در اختیار این بانک قرار می‌گیرد. این دارایی‌ها باید از منظر عرف قابلیت اجاره‌داده شدن و ایجاد جریان درآمد را داشته باشد. در ادامه بانک مرکزی با انتشار صکوک اجاره روی این استخر و فروش آن در بازار بین‌بانکی، به جمع‌آوری نقدینگی و اجرای عملیات انقباضی پولی اقدام می‌کند؛ یعنی دارایی‌های مذکور را به بانک‌های دارای مازاد منابع می‌فروشد و همزمان اجاره به شرط تملیک می‌کند. این اوراق حاکی از مالکیت مشاع در دارایی‌اند که فروشنده آن را بعد از فروختن، برای خودش اجاره به شرط تملیک می‌کند و به نقدینگی دست می‌یابد. صاحبان این اوراق می‌توانند تا سررسید صبر کنند و اجاره بها را به عنوان سود دریافت کنند یا قبل از سررسید در بازار ثانوی بفروشند (موسویان، ۱۳۹۶، صص ۱۴۵-۱۴۶ و ۱۴۹-۱۵۰).

نقد و بررسی

صکوک اجاره نیز مانند صکوک مرابحه اگر برای تأمین مالی پروژه‌ها به کار گرفته شوند، در معاملات بازار اولی، از جهت فقهی مشکلی ندارند و در معاملات بازار ثانوی نیز فروشنده اوراق، مالکیت خود را بر دارایی مورد اجاره به خریدار اوراق منتقل می‌کند و از این جهت اشکالی ندارد؛ ولی اگر صکوک اجاره برای تأمین نقدینگی باشند و دولت یا شرکت‌های خصوصی دارایی‌های خود را نقداً بفروشند و دوباره از مالک جدید به اجاره بگیرند و از این طریق مشکل کوتاه‌مدت نقدینگی را حل کنند، احتمال اینکه معامله صوری انجام شود، زیاد است و لذا لازم است از این مطلب مراقبت شود؛ مثلاً خریداران دارایی ملتفت باشند و در ضمن شروطی به این مطلب رضایت دهند که آنها حق فروش این دارایی را نخواهند داشت. البته قطع نظر از این مطلب، محدودیت این روش به دلیل هزینه‌بر بودن قیمت‌گذاری دارایی‌های مبنای اجاره و همچنین انتقال مالکیت آنها به شیوه صحیح و غیر صوری است.

صکوک سلف

در این اوراق، شرکت واسط به پیش‌فروش برخی محصولات تولیدشده توسط شرکت‌های دولتی اقدام می‌کند. خریداران اوراق صکوک سلف درواقع محصولات تولیدی شرکت‌های دولتی را پیش‌خرید می‌کنند. در سررسید، خریداران اوراق می‌توانند به تحویل گرفتن کالا اقدام کنند یا شرکت واسط را مأمور فروش کالا در بازار و تسویه کنند. تفاوت قیمت خرید و فروش کالای مبنای سلف، سود خریداران اوراق می‌باشد. در صورتی که خریدار اوراق بخواهد قبل از سررسید صکوک خود را به شخص ثالثی بفروشد، وارد عقد سلف جدید و مستقل می‌شود. بر اساس قرارداد جدید، مقدار معین کالا به صورت کلی فی‌الذمه به خریدار جدید می‌فروشد و او را برای دریافت کالا

یا تسویه نقدی به شرکت دولتی حواله می‌دهد (همان، ص ۱۰۴) که همان سلف موازی و حواله است.

نقد و بررسی

فروش مبیع سلف قبل از سررسید جایز نیست (نجفی، [بی‌تا]، ج ۲۴، ص ۳۱۹-۳۲۰) و سلف موازی نیز به سبب عقد مستقل نبودن مشکل‌گشا نیست و شاهدش این است که در عقد جدید فروشنده اوراق، خریدار جدید را به همان کسی ارجاع می‌دهد که در سلف اول طرف معامله بوده است و این کار معامله جدید را از ممنوعیت خارج نمی‌کند.

گواهی سرمایه‌گذاری بین بانکی مضاربه

همان‌طور که در سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی مبتنی بر مضاربه، فرد با مراجعه به بانک اسلامی، منابع خود را بر اساس عقد مضاربه سرمایه‌گذاری می‌کند و در سود فعالیت‌های بانک شریک می‌شود، در بازار بین بانکی، مشابه همین فعالیت بین بانک‌ها و تحت عنوان سرمایه‌گذاری بین بانکی مضاربه انجام می‌شود. کارکرد این ابزار بدان صورت است که بانکی که دارای مازاد است، منابع خود را در بانکی که دارای کسری است برای کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری می‌کند و در سود بانک دریافت‌کننده منابع شریک می‌شود. شیوه محاسبه و پرداخت سود به این سپرده‌ها مشابه سپرده‌های سرمایه‌گذاری است. البته نرخ‌های مورد توافق در بازار بین بانکی متفاوت از نرخ سود مورد توافق در سپرده‌های عادی است و بر اساس عرضه و تقاضای منابع در بازار تعیین می‌شود. با توجه به اینکه گواهی‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری بین بانکی مضاربه در بازار خرید و فروش می‌شود، این امکان برای بانک مرکزی وجود دارد در مواقع ضروری در بازار بین بانکی وارد شود و با خرید و فروش گواهی‌های مذکور عملیات بازار باز مورد نظر خود را اجرایی کند (موسویان، ۱۳۹۶، ص ۹۶-۹۷).

نقد و بررسی

عقد مبنای این اوراق، عقد مضاربه بوده و مضاربه محدود به تجارت است که یک محدودیت برای این اوراق محسوب می‌شود. مشکل دوم در ضمان عامل به اصل سرمایه است که موجب می‌شود مالک در سود هیچ سهمی نداشته باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۲۲). اگر هم بانک سرمایه‌گذار، بانک عامل را ضامن اصل سرمایه قرار ندهد، در صورتی که بانک عامل زیان ببیند، کل زیان بر عهده بانک سرمایه‌گذار خواهد بود و بانک سرمایه‌گذار به این مطلب ملتزم نمی‌شود؛ لذا اوراق مضاربه یک گزینه خوب برای تأمین نقدینگی در کوتاه‌مدت به حساب نمی‌آید. علاوه بر این اشکال عمومی که در همه اوراق بهادار در صورت قرارداد بازخرید پیش می‌آید، مشکل بیع‌العینه و حيله ربابودن است؛ چراکه بازگشت فروش و خرید دوباره همان اوراق با قیمت بالاتر به قرض ربوی می‌باشد.

گواهی سپرده عام و خاص

یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازار پول که در بیشتر کشورها استفاده می‌شود، گواهی سپرده است. در این شیوه، مشتری به شعبه بانک مراجعه می‌کند و به جای افتتاح حساب به خرید گواهی سپرده بانکی اقدام می‌کند. گواهی سپرده دو نوع عام و خاص است. منابع حاصل از گواهی سپرده خاص، صرفاً برای تأمین مالی طرح‌ها و فعالیت‌های مشخص اقتصادی استفاده می‌شود؛ اما منابع حاصل از گواهی سپرده عام بر اساس کل فعالیت‌های سودده بانک منتشر می‌شود. شیوه استفاده از گواهی سپرده عام و خاص در بازار بین‌بانکی بدین صورت است که بانک دارای کسری به بانک دارای مازاد مراجعه می‌کند و با فروش گواهی‌های سپرده خود به این بانک، به نقدینگی دست می‌یابد. از طرف دیگر در سررسید، بانک دارای مازاد گواهی‌ها را به بانک دارای کسری با فروش دوباره باز می‌گرداند و اصل

و سود مرتبط را دریافت می‌کند. اگر بانک دارای مازاد هر زمان قبل از سررسید با کسری منابع مواجه شود، می‌تواند گواهی‌های مذکور را در بازار بفروشد و به نقدینگی دست یابد (موسویان، ۱۳۹۶، ص ۲۲۲).

نقد و بررسی

ارزش گواهی سپرده عام یا خاص، اگر به دلیل تعهد ناشر اوراق به ضمان اصل سرمایه به علاوه سود است و به سبب همین ویژگی این اوراق قابلیت معامله در بازار ثانوی را پیدا کرده‌اند، معلوم می‌شود این اوراق جانشین نزدیک پول‌اند و خرید و فروش این اوراق گواهی سپرده در واقع همان خرید و فروش پول می‌باشد که یک حيله بارز ربای قرضی است.

اوراق مشارکت دولت یا بانک مرکزی

اوراق مشارکت انواعی دارد؛ نوع اول اوراق مشارکت بیانگر این است که دارنده آن در منفعتی شریک است که برای بانک مرکزی یا دولت، بابت مالکیت سهام مجموعه‌ای از شرکت‌های دولتی حاصل می‌شود. بنابراین دارندگان اوراق سهم بانک مرکزی و دولت را در بانک‌ها نمی‌خرند، بلکه صرفاً در منفعت‌های احتمالی حاصل از مالکیت شریک‌اند. این اوراق به قیمت اسمی منتشر می‌شوند و بانک مرکزی قیمت بازاری آن را در فواصل زمانی معین اعلام می‌کند که شامل سود واقعی هم می‌شود. دارندگان این اوراق صرفاً می‌توانند با فروش اوراق به سود مورد انتظار خود دست یابند. اوراق مشارکت دولتی، علاوه بر سیاست‌گذاری پولی برای تأمین مالی نیازهای مالی دولت یا سیاست‌گذاری مالی نیز استفاده می‌شوند. نوع دوم از اوراق مشارکت، گویای مالکیت دارنده آن بر بخشی از دارایی حقیقی دولت است و صاحبان این اوراق در سود و زیان حاصل از آن شریک‌اند (همان، صص ۱۰۰ و ۱۱۵).

نقد و بررسی

در نوع اول اوراق مشارکت، خریداران اوراق در مالکیت دارایی پایه شریک

نیستند و فقط در منافع حاصل از آن شریک می‌شوند و مشارکت در منفعت به‌ویژه با ملاحظه معدوم‌بودن منافع در حین تحقق شرکت، از منظر فقه امامیه دچار اشکال است (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۹۹).

در نوع دوم اوراق مشارکت، منابع حاصله از فروش این اوراق، اگر صرفاً برای سیاست انقباضی و اجرای عملیات بازار باز باشد، به طوری که با عرضه این اوراق حجم نقدینگی کاهش یابد و وجوه جمع‌آوری‌شده نزد بانک مرکزی مسدود شود، دارای اشکال خواهد بود؛ زیرا در این صورت ماهیت فقهی این اوراق شبیه قرض همراه با زیاده می‌باشد که حرام است و برای صحت فقهی این اوراق، ارتباط واقعی میان فعالیت‌های واقعی با انتشار اوراق مشارکت منتشرشده، لازم است. مشکل دیگر به دلیل نداشتن نرخ سود قطعی است و لذا این اوراق از ویژگی لازم برای اوراق مورد معامله در بازار پول را ندارند.

یک مطلب کلی‌تر درباره اوراقی که مبتنی بر عقود مشارکتی‌اند، مثل اوراق مضاربه و مشارکت این است که عقود مشارکتی سهم بسیار ناچیز را در تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی دارند (تقی‌زاده، ۱۳۹۱/ Nouman, 2014/ Yustiardhi, 2020) و بانک‌ها به سبب شاکله‌ای که دارند، دنبال سود قطعی‌اند. آن مقدار عقود مشارکتی هم که در بین عقود بانکی اجرا می‌شود، به‌درستی اجرا نمی‌شود؛ لذا ابزارهایی که بر اساس عقود مشارکتی تعریف شده باشند و کارایی اصلی آن تأمین نقدینگی در بازار بین‌بانکی باشد، بیشتر در معرض اجرای صوری می‌باشند.

همان‌طور که گفته شد، علاوه بر ابزار بازار پول، شیوه عملیات بازار پول نیز بازطراحی شده است که در ذیل ذکر می‌گردد:

قرارداد رپو طبق موازین شرعی

قرارداد رپو مهم‌ترین ابزاری است که در سطح بین‌المللی در روابط بانک

مرکزی و بانک‌های تجاری استفاده می‌شود. در این قرارداد بانک مرکزی ابتدا به فروش نقدی اسناد تجاری یا اوراق بهادار در اختیار خود به بانک تجاری اقدام می‌کند و متعهد می‌شود در تاریخ مشخصی در آینده، به خرید دوباره اسناد یا اوراق به قیمت توافق‌شده از بانک تجاری اقدام کند و در صورتی که به هر دلیل بانک مرکزی نخواهد یا نتواند به تعهد خود به خرید دوباره عمل کند، بانک تجاری می‌تواند اوراق و اسناد را در بازار به فروش برساند. برای اینکه ریو با موازین شرعی مطابقت داشته باشد، به طوری طراحی شده است که تعهد دو بیع به یکدیگر کاسته شود و معامله اول مشروط به انجام دادن معامله دوم نشود و در صورت اجرانشدن معامله دوم، معامله اول پابرجا باشد. به این دلیل می‌توان قالب حقوقی بیع نقد به شرط بازخرید در آینده را به بیع نقد به همراه شرط اختیار خرید و اختیار فروش تبدیل کرد؛ به این معنا که خریدار اوراق ضمن قرارداد خرید متعهد می‌شود در سررسید مشخص یا تا سررسید مشخص، هر زمان که فروشنده بخواهد، باید خود آن اوراق یا مثل آنها را از بازار تهیه کند و طبق قیمت توافق‌شده به وی بفروشد. در مقابل فروشنده نیز متعهد است در سررسید مشخص یا تا سررسید مشخص هر زمان که خریدار بخواهد، اوراق را از وی بخرد. بنابراین قرارداد ریوی پیشنهادی را می‌توان این گونه تعریف کرد: «مبادله‌ای است که در آن یک طرف، اوراق بهادار خود را به طرف دیگر می‌فروشد و ضمن آن تعهد می‌کند در سررسید مشخص یا در زمان مطالبه تا سررسید مشخص، آن اوراق یا مشابه آن اوراق بهادار را به قیمت مشخص معامله معکوس انجام دهد» (موسویان و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶).

در عملیات ریو روی صکوک مبتنی بر عیون فیزیکی، مانند اوراق مشارکت، اجاره، مضاربه، مزارعه و مساقات، خرید و فروش سهم در دارایی مشاع (بیع عین) اتفاق می‌افتد. اما در مبادله ریو روی اوراق بدهی مانند اسناد خزانه اسلامی، صکوک مرابحه، سلف و استصناع، بیع دین رخ می‌دهد. اوراق به

صورت مسلوب المنفعة فروخته می‌شود و لازم است در ضمن قرارداد ریوی اسلامی به صورت صریح شرط شود که اگر اوراق تا زمان بازخرید (معامله دوم) بازدهی داشته باشد، متعلق به فروشنده است و منفعت خریدار اوراق صرفاً در تفاوت قیمت خرید و فروش است. البته اگر تا سررسید، هیچ یک از طرفین اختیار خود را اعمال نکردند، منافع و درآمدی حاصل از اوراق بعد از سررسید به خریدار خواهد رسید. با اجرای ریو، بانک دارای مازاد منابع، صکوکی را از بانک دارای کسری، به صورت نقدی می‌خرد و همزمان اختیار فروش اوراق را برای خود و اختیار خرید را برای بانک دارای کسری در نظر می‌گیرد. نرخ بازخرید بر اساس توافق طرفین تعیین می‌شود (موسویان، ۱۳۹۶، صص ۱۷۵-۱۷۶ و ۲۲۴).

نقد و بررسی

در بازسازی قرارداد بازخرید طبق موازین شرعی، سعی شده است مشکل شرط و الزام به خرید دوباره اوراق بهادار فروخته‌شده، با جایگزینی آن با اختیار خرید و فروش برداشته شود؛ ولی این طراحی جدید نیز مشتمل بر تعهد فروشنده است که در سررسید مشخص یا تا سررسید مشخص، هر زمان که خریدار بخواهد، اوراق را طبق قیمت توافق‌شده بازخرید کند و این مطلب اختیار را از طرفی که به دلیل کمبود منابع، اوراق را فروخته بود، از بین می‌برد و او را ملزم می‌کند برای به‌دست‌آوردن منابع طبق شرایط تأمین‌کننده منابع، تعهد بدهد که در آینده اوراق را به قیمتی که مشتمل بر سود - به نرخ بهره رایج در بازار - به نفع تأمین‌کننده نقدینگی است، از خریدار بازخرید می‌کند؛ لذا این قرارداد نیز در عمل همان مشکل بیع‌العینه مشروط را دارد. در این مورد گرچه یک طرف اختیار دارد، اما فروشنده اختیار ملزم به بازخرید است و روایات بیع‌العینه در صدد نفی الزام بیع دوم در بیع اول می‌باشد، مگر اینکه گفته شود در بیع‌العینه نقد و نسیه وجود دارد و لذا قابل استناد در این مسئله نیست. البته اوراق بهاداری که در قرارداد ریو

معامله می‌شوند، اگر مبتنی بر دین باشند، مثل اسناد خزانه اسلامی، صکوک مرابحه، سلف و استصناع، مصداق بیع دین است و در صورت بیع دین به کمتر، مورد اشکال است.

فروش و اجاره دوباره اسناد دارایی‌های قابل اجاره

در این شیوه بانک دارای کسری به اندازه نقد مورد نیاز، اسناد دارایی‌های قابل اجاره خود را آماده می‌کند و این دارایی‌ها را به بانک دارای مازاد می‌فروشد و همزمان اجاره به شرط تملیک می‌کند. بر اثر این معامله، بانک دارای کسری به نقدینگی دست پیدا می‌کند. نرخ اجاره نیز به صورت توافقی بین طرفین تعیین می‌شود. مهم‌ترین محدودیت این روش مسئله هزینه‌بر بودن قیمت‌گذاری دارایی‌های مبنای اجاره همچنین انتقال مالکیت آنها به شیوه صحیح و غیر صوری است (همان، ص ۲۲۳).

نقد و بررسی

در بررسی فقهی صکوک اجاره به عنوان ابزار تأمین نقدینگی در بازار پول، اشکالاتی مطرح شد که در شیوه عملیات مبنی بر فروش و اجاره دوباره اسناد دارایی نیز مطرح است؛ چون فروش اسناد دارایی به اجاره همان اسناد دارایی مشروط شده است و دو معامله‌ای که یکی مشروط به دیگری باشد و نتیجه قرض ربوی بدهد، به دلیل حیله ربابودن جایز نیست. حیله ربابودن چنین معامله از صوری بودن نوعیت چنین معامله نیز تأکید می‌شود؛ چون غرض از این معامله به دست آوردن منابع نقد به ازای پرداخت اصل همراه با سود است، و الا اگر اجاره واقعی دارایی‌ها مد نظر بود، مالک دارایی می‌توانست بعد از انتهای قرارداد اجاره، دارایی فروخته‌شده توسط بانک دارای کسری را به تصرف خود در بیاورد، ولی هیچ وقت چنین اتفاق نمی‌افتد و بانک فروشنده هرگز به بانک خریدار اجازه تصرفات مالکانه نمی‌دهد. در واقع قرارداد فروش و اجاره فقط وسیله‌ای برای رسیدن به نتیجه قرض ربوی است.

فروش اوراق بهادار و تنزیل اسناد

بانک‌ها همواره با ریسک نقدینگی مواجه‌اند و لذا بخشی از دارایی‌های خود را به صورت نقد و بخشی دیگر را به صورت اوراق بدهی با نقدشوندگی بالا نگه می‌دارند. وقتی بانک دارای کسری به بازار بین بانکی رجوع می‌کند، به میزان نیاز خود به نقدینگی، بخشی از اوراق بهادار مانند اسناد خزانه اسلامی یا دیگر اوراق با کیفیت بالا را به بانک دارای مازاد می‌فروشد و به نقدینگی دست پیدا می‌کند. پس از رفع مشکل نقدینگی، بانک دارای کسری می‌تواند دوباره به بازار بین بانکی مراجعه و اوراق مذکور را از بازار خریداری کند. در صورتی که بانک‌های دارای کسری بخواهند نقدینگی مورد نیاز را از بانک مرکزی تأمین کنند، اسناد خود را پیش بانک مرکزی با نرخى که بانک مرکزی تعیین می‌کند، تنزیل کنند.

نقد و بررسی

یکی از شیوه تأمین نقدینگی فروش اسناد و اوراق بهادار توسط بانک دارای کمبود نقدینگی است که مشکل شرعی ندارد؛ البته در این مورد نیز نباید شرط بازخرید در کار باشد. البته اگر فروش این اسناد به صورت بیع دین به کمتر یا همان تنزیل باشد، طبق مباحثی که بیان شد، این شیوه برای تأمین نقدینگی در صورتی صحیح خواهد بود که خریدار دین، همان مبلغی را مطالبه کند که برای خرید این اسناد پرداخت کرده است.

یک مطلب دیگر که در بررسی ابزار و شیوه عملیات بازار پول مبتنی بر تنزیل لازم است، این است که از این جهت که طراحی بازار پول طبق موازین شرعی نباید به نحوی باشد که نزد بخش معظم مسلمانان غیرقابل قبول باشد و در صورتی که ابزار و شیوه عملیات بازار پول مبتنی بر تنزیل باشد، تعامل با چنین بازار برای اهل سنت مشکل خواهد بود، چون مشهور فقهای اهل سنت بیع دین به شخص ثالث را جایز نمی‌دانند و فقط به

شخص مدیون آن هم به همان مبلغ دین را جایز می‌دانند (کاسانی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۲۷۱ / السرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۷۰).

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که درباره بازار پولی بین بانکی و شیوه عملیات آن بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که بازار رایج برای تأمین کمبود نقدینگی بر اساس کسب منفعت برای صاحبان منابع مازاد می‌باشد. در نظام بانکداری اسلامی نیز سعی بر آن است ابزارهایی که در نظام بانکداری متعارف وجود دارند، به نحوه‌ای طراحی شود که همان اهداف و کارایی بازار بین بانکی متعارف را داشته باشد. در این تحقیق ابزارها و شیوه عملیات بازار بین بانکی بر محور دو مسئله بیع العینه و بیع دین به اقل بررسی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بیع العینه اگر به صورت دو بیع مشروط به هم باشد، گرچه هر دو بیع حقیقی باشند و نه صوری، یکی از دو بیع یا هر دو، طبق اختلافی که بین فقهاست، باطل است و نافذ نیست. همچنین بیع دین به اقل گرچه فی نفسه جایز است، مشتری دین، طبق مبنایی که اتخاذ شد، فقط استحقاق مبلغی را بر عهده مدیون دارد که برای خرید دین به دائن پرداخت کرده، ولو اصل مبلغ دین بیش از آن بوده باشد. بررسی ابزارها و شیوه عملیات بازار بین بانکی نشان داد این ابزار و شیوه عملیات به یکی از مشکلات بیع العینه یا بیع دین به اقل مبتلا هستند و ابزارهایی که مبتلا به این دو مشکل نیستند، کارایی بازار بین بانکی رایج را ندارند و اگرچه طبق نظر مشهور فقها ابزار و عملیات بازار بین بانکی بر اساس تنزیل مشکلی ندارد، طبق مبنای مختار بر اساس روایات / بن فضیل طراحی بازار پولی بین بانکی اسلامی که معظم ابزار و شیوه عملیات آن مبتنی بر تنزیل باشد، نیاز به بررسی مجدد دارد.

حامی مالی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله هیچ گونه حامی مالی ندارد.

سهم نویسندگان در پژوهش

تمام نویسندگان در طراحی، اجرا و نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند و محتوای نهایی مقاله را تأیید می‌کنند.

تضاد منافع

نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منفعی در ارتباط با این مقاله وجود ندارد.

منابع و مآخذ

- ابن‌ادریس، محمد بن احمد (۱۳۸۷). موسوعة ابن‌ادریس الحلی. قم: دلیل ما.
- ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الاسلامی.
- بحرانی، آل‌عصفور یوسف‌بن‌احمد بن‌ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- تقی‌زاده، خدیجه (۱۳۹۱). بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان. مجله اقتصادی بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، (۶-۷)، ۴۷-۸۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. ج ۱، قم: مؤسسة آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- حلی، محقق، نجم‌الدین جعفر بن‌حسن (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. قم: مؤسسة المطبوعات الدينية.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). استفتائات. ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). کتاب البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- السرخسی، شمس‌الدین (۱۴۰۶ق). المبسوط. بیروت: دار المعرفه.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۳۰ق). اللمعة الدمشية فی فقه الإمامیه. موسوعة الشهيد الأول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمية، معاونية الابحاث، مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۳۰ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد. موسوعة الشهيد الأول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمية، معاونية الابحاث، مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه.
- شهیدی‌پور، محمدتقی (۱۳۹۹ - ۱۴۰۰). دروس خارج فقه. سایت معظم‌له، در: Shahidipoor.ir
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۳۴ق). البنك اللاروی. قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر.

- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۰ق). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*. ج ۲، بیروت: دار الكتاب العربي.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. ج ۳، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۴). *مختلف الشيعة في أحكام الشريعة*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي
- فخرالمحققين، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *إيضاح الفوائد في شرح إشكالات القواعد*. قم: اسماعيليان
- الكاساني، علاءالدين ابوبكر بن مسعود (بی تا). *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع*. ۷جلد، ج ۱، بیروت: دار الفكر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الكافي*. ج ۴، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*. ج ۲، قم: اسماعيليان.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد في شرح القواعد*. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- محقق نیا، محمدجواد (۱۳۹۴). *درآمدی بر شاخص های بانکداری اسلامی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *جوابات أهل الموصل في العدد والرؤية*. ج ۱، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سیدعباس، و دیگران (۱۳۹۴). *توافق نامه بازرخريد (ريو) در بازار بين بانكي اسلامی*. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۵ (۶۰)، ۸۱ - ۱۱۱.
- موسویان، سیدعباس، و میثمی، حسین (۱۳۹۶). *بانکداری اسلامی ۲، بانکداری مرکزی اسلامی و سیاستگذاری پولی و ارزی*. ج ۱، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سیدعباس، و الهی، مهدی (۱۳۸۹). *امکان سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی*. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۰ (۳۸)، ۸۹ - ۱۱۸.
- میثمی، حسین (۱۳۹۵). *آسیب شناسی فقهی - اقتصادی ابزارهای پیشنهادی جهت عملیات بازار باز در ایران و سایر کشورها*. فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۱۹)، ۶۹ - ۹۸.

- میثمی، حسین، موسویان، سیدعباس، و ندری، کامران (۱۳۹۶)، بازار پول اسلامی: ماهیت، کارکرد و ابزارها. فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۷ (۶۵)، ۶۳- ۸۹.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی. ج ۶، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (بی تا). جواهر الکلام (ط. القديمة). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نظریور، محمدنقی (۱۳۸۴). اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی. فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، (۵)، ۸۱- ۱۱۰.
- نظریور، محمدنقی (۱۳۹۲). عقد و اوراق استصناع: کاربردهای استصناع در بازارهای مالی اسلامی. تهران: سمت.
- یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی. ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- Mishkin, F., & Eakins, S. (2015). *Financial markets and institutions*. 8th ed, New York: Prentice hall.
- Palgrave dictionary (2013). *The New Palgrave Dictionary of Money and Finance*. V.2, UK: Macmillan.
- Nouman, Muhammad, and Karim Ullah (2014). Constraints in the Application of Partnerships in Islamic: The Present Contributions and Future Directions. *Business & Economic Review*, 6(2), 47-62.
- Yustiardi, Aulia Fitria et al. (2020). Issues and Challenges of the Application of Mudarabah and Musharakah in Islamic Bank Financing Products, IIUM Institute of Islamic Banking and Finance. *Journal of Islamic Finance*, 9 (2), 26-41.